

## تحلیل خاطره‌انگیزی با تأکید بر انگاشت عدالت جنسیتی (نمونه موردی: فضاهای سنتی شهر قزوین: محدوده خیابان طالقانی)<sup>۱</sup>

نرگس محمودی<sup>۲</sup>، شادی پاکزاد<sup>۳</sup>، مسعود الهی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

صفحه ۱۷۳ تا ۱۹۳

### چکیده

در شهر بی‌خاطره هیچ نوع کنش اجتماعی و ارتباطات انسانی و اجتماعی که لازمه تعاملات انسانی است وجود ندارد. فرصتهایی که باتوجه به پتانسیل‌های اجتماعی، کالبدی و مدیریت شهری در فضاهای سنتی قزوین وجود دارد، نشان‌دهنده امکانات زیادی جهت حفظ و تقویت و تداوم و خاطرات جمعی است. این مقاله به بررسی اشکال جدیدی از مفهوم خاطره‌انگیزی ساکنان شهر از منظر جنسیتی و ارتباط آن به زندگی روزمره در فضاهای سنتی شهر قزوین (محدوده خیابان طالقانی) می‌پردازد. به این منظور در این پژوهش سعی شده است تا با بازنشانی مفهوم خاطره‌انگیزی به ردیابی انگاشت عدالت جنسیتی در فضاهای سنتی شهر پرداخته شود. روش مورد استفاده بر حسب هدف از نوع کاربردی و از نظر روش بررسی، توصیفی - تحلیلی و همبستگی است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار سنجش، پرسش‌نامه پنج‌گزینه‌ای مبتنی بر مقیاس لیکرت است. در مراحل طراحی و تنظیم و با تأیید متخصصان، کمیت و کیفیت پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت. در بحث پایایی، روش آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد که با استفاده از ترکیب دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و شیوه طبقه‌بندی متناسب انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS صورت گرفت. باتوجه به شاخص‌های الگوسازی می‌توان استدلال کرد که مدل ارائه شده از برازش خوبی برخوردار بوده است. به‌طور کلی، تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های معنادار جنسیتی به سود مردان در بهره‌مندی از خاطره‌انگیزی در فضاهای شهری است. این تفاوت‌ها نه تنها بر اساس داده‌های آماری بلکه از منظر اجتماعی و فرهنگی نیز قابل تفسیر هستند.

**واژگان کلیدی:** فضای شهری، جنسیت، خاطره‌انگیزی، عدالت جنسیتی، تحلیل ساختاری

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بررسی تاثیر پیکربندی فضاهای شهری بر خاطره‌انگیزی برای شهروندان بر مبنای جنسیت (مورد مطالعاتی: فضاهای شهری قزوین)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شده است.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۴</sup> استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

## ۱. مقدمه

درک محیط شهری یک فرایند ذهنی است که از طریق تعامل انسان با محیط اطرافش صورت می‌گیرد. انسان به‌وسیله حس‌هایی از محیط اطراف خود آگاه می‌شود و تصویری از محیط را در ذهن خود شکل می‌دهد. خاطرات فردی یا جمعی از محیط، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این تصویر است. این خاطرات نقش حوادث و تجربیات گذشته را بازسازی و یادآوری می‌کنند، به‌عبارت‌دیگر، یادگاری از گذشته که در ذهن افراد باقی‌مانده است. اگر یک مکان ویژگی‌های فیزیکی خاص و بناهای منحصر به فرد داشته باشد، باید از نظر فضایی دارای کیفیت و ویژگی خاص باشد؛ کالبد و فضا باعث می‌شوند تا حادثه بهتر در یاد بنشیند و ارتباط حادثه با مکان تشدید یابد، به‌عبارت‌دیگر، همان‌طور که خاطرات فضا در ذهن حفظ می‌شود، فضا نیز در تجدید خاطرات اهمیت دارد. به‌طور خلاصه، در چند سال اخیر، حق به شهر به‌عنوان یک مفهوم مورد بحث و تأمل در مطالعات شهری قرار گرفته است. امروزه تأکید می‌شود که همه شهروندان باید بتوانند به‌طور برابر از فضاهای شهری<sup>۱</sup> استفاده کنند؛ بنابراین، بحث درباره محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص به فضاهای شهری از منظر حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی به‌طور مکرر مطرح شده است (رفعیان، نسترن و عزیزپور، ۱۳۹۲).

از دیدگاه نظریه‌ی نیازهای انسانی و نقش آن در تأمین رضایت و سعادت شهروندان، دو عامل اصلی به نام "جنس" و "سن" وجود دارد، گرچه نیازهای همه انسان‌ها مشترک است، اما شیوه‌ای که این نیازها بروز پیدا می‌کنند و رضایت آن‌ها تأمین می‌شود کاملاً متفاوت است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). جنسیت یکی از جوانب اساسی تنوع و حتی نابرابری در ساختار قدرت در شهرها است، و مؤلفه‌ای بسیار مؤثر در ویژگی‌های شخصیتی محسوب می‌شود. نادیده گرفتن متغیرهایی چون جنس، سن، گروه‌های قومی و غیره در برنامه‌ریزی شهری ممکن است منجر به کاهش شمولیت اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی از دیدگاه شهروندان، فروپاشی کیفیت محیط در فضاهای شهری، عدم تضمین حقوق اجتماعی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها/ منابع، و در نهایت عدم تحقق عدالت اجتماعی شود (زیاری و ترکمن، ۱۳۹۲).

نظریه‌پردازان زیادی بر این باورند که به دلایل بسیاری از جمله نظام‌های مردسالاری، مردان نقش بسزایی در روش‌های مطالعات شهری و کیفیت فضاهای عمومی داشته‌اند. تقسیم کار سنتی باعث شده که مردان در تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی عمومی، به‌ویژه در شهر، اولویت داشته باشند و زنان نتوانسته‌اند حضور چندانی در ساختار قدرت داشته باشند (باقری، ۱۳۹۲). فضاهای شهری بیشتر به‌منظور زندگی مردان تدارک دیده شده است و این باعث شده که برخی متفکران شهری فضای عمومی را به‌عنوان فضای مردانه تصور کنند. این وضع باعث شده که در بیشتر جوامع، از جمله جامعه ایران، زنان، به‌خصوص زمانی که تنها هستند، نتوانند به راحتی از فضاهای عمومی شهر استفاده کنند؛ زیرا آن‌ها معمولاً به‌عنوان نمایندگان فضاهای خصوصی در نظر گرفته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، مفهوم خصوصی‌سازی به دلیل سلطه فرهنگ و ساختار پدرسالارانه و نقش‌های جنسیتی سنتی، به همان اندازه برای زنان مهم نیست (شارع‌پور، رفعت‌جاه و رهبری، ۱۳۹۴).

شلی باکینگهام<sup>۲</sup> نظریه‌پرداز فمینیست، استدلال می‌کند که حافظه جمعی<sup>۳</sup> زنان در مورد شهر در زندگی روزمره از طریق تجربیات آن‌ها تضعیف می‌شود. او خاطرنشان می‌کند که چون فضا محصولی اجتماعی است، مانند سایر مفاهیم اجتماعی، خنثی نیست و در واقع جنسیتی است؛ بنابراین مفهوم خاطره‌انگیزی برای زنان نسبت به این فضا نیز ماهیت جنسیتی دارد و متمایز از حقوق مردان است. باکینگهام به دنبال اضافه کردن یک بعد جنسیتی به مفهوم "خاطره‌انگیزی" است و بنابراین پیشنهاد می‌کند که مفهوم جنسیت باید در رابطه با حق شهر مورد توجه قرار گیرد (Buckingham, 2010). فنستر<sup>۴</sup> در پاسخ به این انتقاد به ادعاهای جدید در مورد فضای شهری اشاره می‌کند و معتقد است که حق زنان بر شهر به دلیل ساختارهای مردسالارانه موجود در فضاهای عمومی سرکوب شده و محقق نمی‌شود. اشاره خاص او به ترس و عدم امنیت موجود در بیشتر شهرها است که زنان را از فرصت استفاده از حق خود در شهر محروم می‌کند (Fenster, 2005). این نظریه‌پردازان فمینیست ماهیت جنسیتی فضای شهری و چالش‌هایی را که زنان در دسترسی و احساس امنیت در مناطق عمومی با آن مواجه هستند، برجسته می‌کنند. کار آن‌ها بر

و از همه مهم‌تر مشارکت‌دادن آنان در عرصه‌های مختلف از جمله تصمیم‌گیری در سطوحی از جمله مدیریت شهری و محلی، باید در شکل‌دهی به یک سازمان برجسته شود.

از آنجاکه شهر قزوین قدمت چندصدساله دارد نباید از سهمی که این فضاهای شهری بارزش در احیاء هویت شهری و ارتقای سرزندگی و حس تعلق خاطر شهروندان در شهر دارند، غافل شد. با گسترش شهر قزوین و مدرن‌شدن ساختار و کالبد شهر بسیاری از فضاهای شهری به‌واسطهٔ از دست‌دادن الگوهای نشانه‌ای در ابعاد فضایی، معنایی، کالبدی و رویدادی - اجتماعی خاطره‌انگیز نیستند. به طور خاص، ساختار بافت امروز شهر قزوین، نشانه‌های بسیار کوچکی از هویت‌های تاریخی خود را به همراه دارد.

این مقاله با بررسی مفهوم خاطره‌انگیزی و سپس تحلیل آن در محدوده خیابان طالقانی شهر قزوین با محوریت جنسیت آماده شده است. هدف آن تعریف مؤلفه‌های خاطره‌انگیزی و عملیاتی‌کردن ایده خاطره‌انگیزی با بررسی میزان ادراک خاطره در گروه‌های جنسیتی و نقش آن در ایجاد عدالت جنسیتی در فضاهای شهری قزوین است. به‌جای تمرکز صرف بر روی زنان و ادراک آن‌ها، بر جنسیت تأکید شده است و بنابراین نمونه مورد مطالعه شامل مردان و زنان ساکن شهر قزوین خواهد بود. پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش‌های نظرسنجی، تفاوت‌های اساسی در مفهوم خاطره‌انگیزی در میان پاسخ‌دهندگان استخراج و با استفاده از ابزارهای کمی مناسب در چارچوب نظری تحلیل می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش درباره مؤلفه‌های شکل‌دهنده حس خاطره‌انگیزی و جنسیت پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است.

Hancock (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «حق به شهر؛ تبعیض جنسیتی و سیاست‌های فضایی در شهر» تناقض سیاست‌های شهری در فرانسه را با شاخص‌های حق به شهر نشان می‌دهد و چشم‌اندازی از سیاست‌های فضایی مرتبط با جنسیت در شهر پیشنهاد می‌دهد و شیوه‌هایی را برای ارتقا و بهبود حق به شهر زنان در محیط محله بیان می‌کند. در بررسی این پژوهش باید گفت ممکن است یافته‌ها محدود به شرایط

اهمیت در نظر گرفتن جنسیت در بحث در مورد حقوق شهری و نیاز به پرداختن به ساختارهای مردسالارانه که تجارب زنان را در شهر محدود می‌کند، تأکید می‌کند.

لوفور در نقد شهرهای پایتخت محور قرن بیستم، فضای شهری را حافظه جمعی می‌داند که در آن سایر حقوق اجتماعی محقق می‌شود (معروفی و برجی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین، نقش فضاهای عمومی در تعریف مفهوم خاطره‌انگیز بودن بسیار مهم است (Brown, 2006). در واقع فضاهای عمومی در شهرها به‌عنوان بستر و زمینه نمایش تحقق مفهوم خاطره‌انگیزی محسوب می‌شوند؛ بنابراین، صرف‌نظر از جنسیت، سن، سطح تحصیلات و غیره، هر فردی با حضور در فضاهای شهری و اماکن عمومی باید برابر با دیگران شناخته شود و از حقوق طبیعی یک شهروند برخوردار شود. اما بسیاری بر این باورند که زنان از جمله گروه‌هایی هستند که در محیط‌های ساخته شده شهر از بی‌توجهی به نیازهای خود رنج می‌برند. این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد زنان به دلیل اخلاق مراقبتی حاکم بر رفتارشان در محیط و مسئولیت‌هایی که در زندگی روزمره به آن‌ها محول می‌شود، بیشتر با فضا درگیر هستند و زمان بیشتری را نسبت به مردان در فضا می‌گذرانند. لوفور بر در نظر گرفتن تفاوت‌ها در فضای شهری به‌عنوان حقی که خاطره‌انگیز بودن را کامل می‌کند، تأکید می‌کند (Greed, 2005).

تأکید بر حضور زنان و ضرورت حضور آنان در فضاهای شهری نه تنها از منظر برابری جنسیتی در جامعه کثرت‌گرا، بلکه برای رفع نیازهای اجتماعی در فضاهای شهری است. با برقراری حق بر شهر می‌توان عدالت جنسیتی را در مناطق شهری تقویت کرد. عدالت جنسیتی در برنامه‌ریزی شهری به دنبال ایجاد برابری و تعادل در دسترسی و استفاده متوازن از فضا برای جنسیت‌های مختلف است. بحث این است که توجه به دیدگاه جنسیتی در سیاست‌های فضایی، فضاهای شهری را برای همه افراد جامعه پایدارتر و قابل‌دسترس‌تر می‌کند. همچنین با فراهم کردن فرصت‌های مشارکت به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در عرصه‌های عمومی، می‌توان حافظه جمعی قدرتمندتری برای زنان ایجاد کرد. در واقع پرورش توانمندی‌ها و استعداد‌های زنان و مردان به‌ویژه توانمندسازی زنان، رفع نیازهای راهبردی آنان

خاص فرانسه باشند و نتوان آن‌ها را به دیگر کشورها یا شهرها تعمیم داد. تحقیق نیاز به بررسی تجربی و میدانی بیشتری برای ارزیابی عملی بودن راهکارها دارد. شکلیا منش و قربانیان (۱۳۹۶) در تحقیق خود تحت عنوان «اثرات پیکربندی فضایی شهری و ساختار فیزیکی بر درک عابرین پیاده» عنوان می‌کنند افراد مختلف درک متفاوتی از فضای سه‌بعدی که در آن حرکت می‌کنند، دارند و توجه معماران به ادبیات طراحی شهری، در بسیاری از موارد می‌تواند تعیین‌کننده الگوی رفتاری عابران پیاده در محیط باشد. در پژوهشی دیگر تحت عنوان «رفتار انسانی و پایداری محیط‌زیست»، نویسندگان بیان می‌کنند که محیط ساخته‌شده باید برای پشتیبانی از اهداف و الزامات انسانی استفاده شود، اما در همین زمان باید آن را به‌عنوان زمینه‌ای در نظر گرفت که ارزش‌ها و رفتارهای انسانی در آن قرار دارد. به نظر می‌رسد تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در ادراک فضا نادیده گرفته شده باشد. چرا که این تحقیق به جزئیات کمتری در مورد روش‌های اندازه‌گیری و تحلیل ادراک فضایی پرداخته است. Beebejaun (۲۰۱۶) در تحقیق خود تحت عنوان «جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره» بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه‌ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد. این تحقیق به دلیل ارائه چارچوب نظری قوی در حوزه عدالت جنسیتی و شهرنشینی. مورد توجه ما بود. قابل ذکر است که در بررسی تأثیرات عملی این حقوق بر زندگی روزمره زنان از منظر روش‌شناسی و ترکیب آن با منابع تحلیلی کمبود وجود دارد چرا که نتایج این پژوهش تنها شامل قشر خاصی از شهروندان شده است. در پژوهش‌هایی داخلی هم: بهادر، قهاری و میانرودی (۱۴۰۰) در تحقیق خود «بازنشانی مفهوم خاطره‌انگیزی در فضاهای شهری با رویکرد مکان‌سازی (محدوده میدان تجریش)» به این نتیجه رسیدند که میزان خاطره‌انگیزی فضای شهری محدوده میدان تجریش بر اساس مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری خاطرات جمعی، در سال‌های اخیر به واسطه تصمیمات مدیران و برنامه‌ریزان شهری دچار آسیب شده است. پیشنهاداتی منطقی در راستای تقویت مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری خاطرات جمعی بر اساس رویکرد مکان ساز در

محدوده مورد مطالعه، ارائه شده است. این تحقیق به تأثیرات سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر خاطره‌انگیزی فضاهای شهری توجه کافی نکرده است. پور اکبر و عباس‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهش خود «مفهوم منظر شهری جهت ارتقای میزان خاطره‌انگیزی در فضای شهری» به این نتایج رسیدند که نقش منظر شهری به‌عنوان واقعیتهایی عینی در قلمروهای فضاهای عمومی را می‌توان با افزایش کیفیت نمادها و خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی، مسبب به‌وجود آوردن خاطراتی برآمده از محل زندگی جمعی با حالتی اجتماعی به‌صورت چهار مرحله شامل؛ ۱. شکل‌گیری، ۲. ثبت، ۳. تداعی و ۴. انتقال را فراهم کند. رویکرد این تحقیق به نقش منظر شهری در ارتقای خاطره‌انگیزی فضاهای عمومی قابل تعمیم به همه شهرها نیست و از ارائه مدلی واضح و قابل‌پیاده‌سازی برای تحلیل خاطرات جمعی برخوردار نیست. پور حسین روشن، پور جعفر و علی‌اکبری (۱۴۰۰) در تحقیق خود «تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری (مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت)» به این نتایج رسیدند که در طراحی فضای شهری مذکور دیدگاه‌ها و نیازهای تمامی استفاده‌کنندگان از فضا دیده نشده و به دلیل وجود اعمال قدرت‌های تک‌بعدی مردانه در بازطراحی فضا، موجبات کاهش حضور بانوان و متعاقباً عدالت جنسیتی را در برداشته است. این تحقیق محدود به یک مکان خاص است و قابلیت تئوری و نظری لازم جهت تعمیم به دیگر فضاهای شهری ندارد. راهکارهای عملی ارائه شده ممکن است نیاز به بررسی‌های بیشتر برای پیاده‌سازی داشته باشند. رحیمی، واعظی، محمدی و باکویی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، (مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز)» به این نتایج رسیدند که فضاهای عمومی شهری برای انجام فعالیت‌های اجباری، اختیاری و مهم‌تر از همه، فعالیت‌های اجتماعی هستند و حضور در فضا حق مسلم زنان است و همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضاهای شهری برخوردار باشند و تأکید داشته‌اند که زنان مهم‌ترین انتقال‌دهنده‌های انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه هستند، لذا هرگونه خلأ عاطفی یا فقدان احساس امنیت و آرامش در بین آن‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد که از هم‌گسیختگی، عدم انسجام در خانواده و روابط آشفته

جدول ۱. وجوه اهمیت خاطره جمعی از دیدگاه صاحب‌نظران (نگارندگان)

نظریه‌پرداز	دیدگاه‌های صاحب‌نظران	وجوه اهمیت خاطره جمعی
لینچ	وجود یک تصویر ذهنی - زمانی برای سلامت و بهداشت روانی افراد لازم است.	ایجاد یک تصویر ذهنی - زمانی
توان <sup>۱۰</sup>	مواجهه ما با اشیا و مکان‌های به‌جامانده از گذشته، حس روشنی از گذشته ایجاد کرده و موجب ایجاد هویت شخصی و هویت مکانی می‌گردد.	ایجاد حس روشنی از گذشته، ایجاد هویت شخصی و هویت مکانی
روسی <sup>۱۱</sup>	شهر، خود خاطره جمعی مردمش است و همچون خاطره در پیوند با اشیا و مکان‌هاست.	پیوند خاطره با اشیا و مکان‌ها
هالباکس	خاطره جمعی، خاطره اجتماعی است. خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق شده میان اعضای آن گروه است.	توافق و پیوند میان اعضای جامعه
آیرمن <sup>۱۲</sup>	خاطره جمعی، هم برای فرد و هم برای جامعه به صورت نقشه زمانی ایجاد می‌شود که بدین‌وسیله یک جامعه را از طریق زمان یا فضا به هم پیوند می‌دهد.	توافق و پیوند میان اعضای جامعه

در واقع، یک خاطره به‌وضوح ما را مستقیماً به یک مکان خاص می‌برد. گاهی افراد با حضور در مکانی که دیگران در آن حضور دارند، چیزهایی را تجربه می‌کنند که آن‌ها را به همه انسان‌هایی که چنین فرایندی را در گذشته یا آینده تجربه کرده‌اند، مرتبط می‌کند. به گفته مدیری پور، این قطعات اتصال‌دهنده ثابت و تداوم فضاهای عمومی را فراهم می‌کند. در این فضاها است که افراد تجربیات مشترکی دارند که اساساً خاطرات جمعی است (عسگری و نقیعی، ۱۳۹۲: ۸). بر اساس این نظریه، اجزای شکل دهنده حافظه جمعی به چند دسته تقسیم می‌شوند که در (شکل ۱) به تفصیل شرح داده شده است.

مؤلفه‌های حافظه جمعی، شامل احساسات، نمادهای فرهنگی، رویدادهای تاریخی و تعاملات اجتماعی، در ایجاد ارتباط افراد با تجربیات مشترک اهمیت دارند. عواطف و نمادهای فرهنگی<sup>۱۳</sup> با برانگیختن احساسات و نمایش ارزش‌های مشترک، نقش مهمی در تقویت حافظه جمعی ایفا می‌کنند. حافظه جمعی از طریق رویدادهای تاریخی، تعاملات اجتماعی و روایت‌های مشترک شکل می‌گیرد. این عوامل باعث تقویت حس هویت و

درون و برون خانوادگی از جمله نتایج آن است. این تحقیق به جزئیات کمتری در مورد نحوه عملیاتی کردن عدالت جنسیتی پرداخته است.

میان‌رودی، ماجدی، زرآبادی و زیاری (۱۳۹۶) در مطالعه خود تحت عنوان «واکای مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی (به همراه نمونه موردی میدان حسن‌آباد)» به این نتایج رسیدند که برای شکل دادن به عرصه‌ای که برای شهروندان خاطره‌انگیز باشد به سنجش حس خاطره جمعی در محدوده میدان حسن‌آباد به‌وسیله الگویی برای برنامه‌ریز و طراحی شهری سعی در ارائه تطبیقی برای شاخص‌های فضای شهری و ایجاد یکپارچگی، نشانه‌شناسی را به‌عنوان یک روش کارآمد در بازیابی خاطره‌انگیزی فضاهای شهری تشریح می‌کنند. تحقیق به طور خاص به جزئیات روش‌های سنجش خاطرات جمعی نپرداخته است.

### ۳. مبانی نظری

#### • خاطره جمعی و مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد خاطره

از دیدگاه هالباکس<sup>۷</sup>، حافظه جمعی یک ظرفیت فوق‌العاده و روان‌شناختی است که به‌صورت اجتماعی رخ می‌دهد. این شامل همه چیزهایی است که به طور انتخابی به‌خاطر سپرده می‌شود و توسط اعضای یک گروه توافق می‌شود و مانند یک اسطوره در ذهن آن‌ها جای می‌گیرد. از دیدگاه آیرمن، حافظه جمعی یک ملت یا جامعه را از طریق زمان یا مکان به هم متصل می‌کند و هویت فردی را به‌عنوان یک نقشه زمانی شکل می‌دهد. کوین لینچ<sup>۸</sup> در این راستا وجود «تصویر ذهنی - زمانی» را برای رفاه ذهنی افراد در محیط خود، مانند وجود «تصویر ذهنی - فضایی» از یک مکان، حیاتی می‌داند (Lynch, 1972). از دیدی\_فوتوان نیز مواجهه ما با اشیا و مکان‌های به‌جامانده از گذشته، این قدرت را دارد که حس روشنی از گذشته خویش را در ما ایجاد کند که این امر، رابطه تنگاتنگی با "هویت شخص" و "هویت مکانی" دارد (Hull, Lam & Vigo, 1994) که ایجاد هویت مکانی<sup>۹</sup> نیز خود، موجب ارتقای حس مکان خواهد شد (جدول ۱).

## عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در خاطره‌انگیزی فضای شهری

مؤلفه‌های شکل‌دهنده حس ایجاد خاطره در جدول ۲ و شکل ۱ به تفصیل بیان شده‌اند.

جدول ۲. مؤلفه‌های شکل‌دهنده حس خاطره‌انگیزی (نگارندگان)

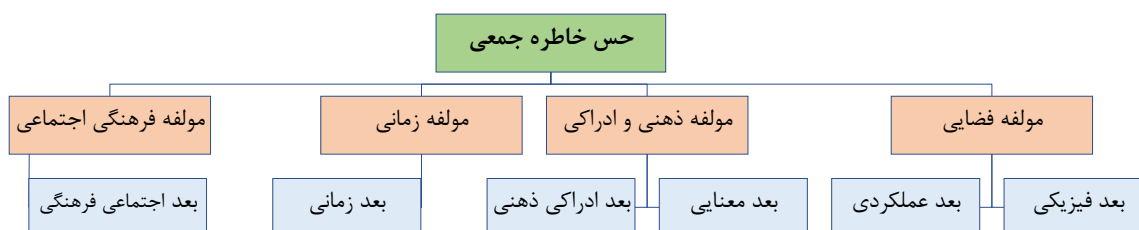
مؤلفه	دیدگاه
مؤلفه زمانی	خاطرات جمعی مانند حافظه تاریخی یک ملت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و در نتیجه سابقه و زمان سکونت در یک شهر، عامل تقویت خاطرات جمعی است (Lewicka, 2008)
مؤلفه فضایی	خاطرات برای شکل‌گیری نیازمند یک مرجع فضایی هستند. بر اساس دیدگاه هالباکس هر تغییری در سیمای کالبدی فضاهای شهری باعث تغییر جدی تصویر ذهنی ساکنان شهر شده و بر حس خاطره جمعی آن‌ها اثر دارد. تا زمانی که مکان ساختمان‌های یک شهر، سنگ‌ها و درخت‌ها در یک شهر تغییر نکرده است تصویر ذهنی ساکنان از آن فضا تغییر نیافته و حس تعلق مکانی و خاطره جمعی ساکنان آن وجود دارد (Abd Elrahman & Mahmoud, 2016).
مؤلفه اجتماعی	تجلی این اجتماعات است که عرصه‌های عمومی حیات می‌یابند و روابط عمیق‌تر شده و گذر زمان خاطرات جمعی را معنا می‌بخشند.
مؤلفه ادراکی	تجربه‌های ذهنی و فردی از جمله شغل، تحصیلات و میزان ارتباط فرد با محیط و همچنین نحوه ادراک مؤلفه ادراکی ذهنی وی از محیط، از دیگر مؤلفه‌های شکل‌دهنده و اثرگذار خاطره جمعی است.

تعلق جمعی می‌شوند و افراد را به مکان یا جامعه خاصی متصل می‌کنند. درک این مؤلفه‌ها به فهم بهتر شکل‌گیری حافظه جمعی و تأثیر آن بر هویت فردی و جمعی کمک می‌کند.

### • خاطره‌انگیزی، مکان و فضاهای شهری

ماهیت اجتماعی حافظه ارتباط آن را با فضاهای عمومی درون شهر آشکار می‌کند. شکل‌گیری خاطرات ماهیت اجتماعی در قلمرو سکونت جمعی دارد و محیط شکل‌گیری آن‌ها باید محل تعامل اجتماعی (شهر) باشد. شناخت محیط‌های شهری یک فرایند ذهنی است. انسان پیام‌های حسی را از محیط دریافت می‌کند و تصویری ذهنی از آن ایجاد می‌کند که در اصل خاطرات محیط است.

اگرچه حافظه یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است، اما امکان رخدادهای حافظه یک واقعیت فیزیکی است، البته با مفهومی فراتر از یک مکان یا منشأ صرف به‌عنوان ظرفی برای ثبت رویدادها در ذهن انسان. یک خاطره مستقیماً ما را به یک مکان به روشی واضح پیوند می‌دهد. گاهی اوقات، افراد حاضر در آن مکان، تجاربی را به دست می‌آورند که آن‌ها را به همه افرادی که چنین فرایندی را در گذشته یا آینده تجربه کرده‌اند، مرتبط می‌کند. به گفته مدرسی پور، این عناصر پیونددهنده به پایداری و تداوم فضاهای عمومی کمک می‌کنند. در این فضاها است که افراد تجربیات مشترکی را به دست می‌آورند که اساساً خاطرات جمعی است.



شکل ۱. ابعاد و مؤلفه‌های شکل‌دهنده حس خاطره جمعی (Lewicka, 2008)

وجود درک پدیده از نقش‌ها و روابط قدرت در فضا است (Aitken, 2005). این نشان‌دهنده آگاهی از تأثیر جنسیت بر ادراک و تجربه فضا است. علاوه بر این، در نظر گرفتن تفاوت در فضای شهری به‌عنوان حقی که باعث تقویت حس حافظه جمعی در شهر می‌شود نیز برجسته می‌شود (Dikec, 2002).

### • خاطره‌انگیزی و جنسیت

تأثیر جنسیت بر حافظه موضوعی است که در زمینه مطالعات حافظه‌چندان مورد بحث قرار نگرفته است. با این حال، چند مرجع وجود دارد که به موضوع جنسیت می‌پردازد. یکی از این مراجع نشان می‌دهد که آنچه در حال حاضر در مورد فضا مهم است،

زندگی شهری محروم کرده است. به گفته فنستر، شهر در طول تاریخ توسط مردان طراحی و کنترل شده است که اغلب زنان و سایر گروه‌های اقلیت را حذف می‌کنند. این امر منجر به عدم دسترسی به فضاهای عمومی، فرصت‌های محدود برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و احساس طردشدگی کلی برای این گروه‌ها شده است.

فنستر خواستار ارزیابی مجدد مفهوم فضای عمومی است و معتقد است که این فضاها اغلب تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌های غالب قرار دارند که می‌توانند طردکننده باشند. او با ارائه دیدگاه فمینیستی، بر پیچیدگی‌های قدرت در فضاهای شهری تأکید می‌کند و خواستار تجدیدنظر در محیط‌های شهری برای ایجاد فضاهایی فراگیرتر و عادلانه‌تر است که نیازهای همه افراد، به‌ویژه گروه‌های به حاشیه رانده شده، را برآورده کند. ملاحظات جنسیتی در فضاهای عمومی به توسعه ساختارهایی اطلاق می‌شود که با پذیرش تفاوت‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر، عدالت را بین زنان و مردان ترویج می‌کند. جنسیت مهم‌ترین عاملی است که بر حضور گروه‌های مختلف در یک فضا تأثیر می‌گذارد. این می‌تواند منجر به حذف برخی افراد از فضاهای عمومی به دلیل جنسیت شود، درحالی‌که برخی دیگر به آن فضاها کشیده می‌شوند. به گفته ویلیام وایت یکی از شاخص‌های موفقیت و ایجاد حس حافظه جمعی در فضاهای عمومی نسبت بالای زنان به مردان است. تعداد زنان بیشتر در یک فضا نشان‌دهنده مدیریت خوب است و موردپسند همه است. زنان بیشتر نگران کیفیت فضاهای عمومی هستند و نسبت به عوامل محرک محیطی حساس‌تر هستند و زمان بیشتری را برای انتخاب مکان صرف می‌کنند؛ بنابراین، اگر تعداد زنان کمتری در یک فضا وجود داشته باشد، احتمالاً نشان‌دهنده یک مشکل است.

توجه به جنسیت در فضاهای عمومی برای ایجاد محیط‌های فراگیر و در دسترس برای همه افراد ضروری است. این شامل شناخت نیازها، رفتارها و تجربیات مختلف زنان و مردان در فضاهای عمومی و پرداختن به آن‌ها از طریق طراحی، مدیریت و سیاست است. با در نظر گرفتن جنسیت در فضاهای عمومی، می‌توان محیط‌هایی امن، راحت و دلپذیر برای همه ایجاد کرد. توجه به جنسیت در فضاهای عمومی مستلزم طراحی فیزیکی، مدیریت و مقررات این فضاها است. این شامل چیدمان،

این شناخت تفاوت‌های جنسیتی و تأثیر آن‌ها بر حافظه جمعی فضاهای شهری، اهمیت درک نقش جنسیت در شکل‌دهی تجربیات و خاطرات ما از محیط‌های مختلف را روشن می‌کند. تأثیر جنسیت بر حافظه نیازمند کاوش بیشتر است و می‌تواند به درک پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی تعامل ما با فضاها کمک کند. این تحقیق می‌تواند در برنامه‌ریزی شهری، معماری و روان‌شناسی اجتماعی تأثیرگذار باشد و به ایجاد فضاهای شهری فراگیرتر و عادلانه‌تر کمک کند که نیازهای همه افراد را برآورده سازد. همچنین، شناخت تأثیر جنسیت بر حافظه می‌تواند به شناسایی نابرابری‌ها در دسترسی به فضاهای عمومی و ترویج احساس تعلق و شمول بیشتر برای همه افراد منجر شود.

در نتیجه، درحالی‌که تأثیر جنسیت بر حافظه به طور گسترده در بافت فضاهای شهری مورد مطالعه قرار نگرفته است، نشانه‌هایی وجود دارد که نقش مهمی در شکل‌دادن به تجربیات و خاطرات ما از این محیط‌ها ایفا می‌کند. شناخت ماهیت جنسیتی حافظه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای ایجاد فضاهای شهری فراگیرتر، عادلانه‌تر و پاسخگوتر داشته باشد که پاسخگوی نیازها و تجربیات متنوع همه افراد باشد. تحقیقات بیشتر در این زمینه برای به دست آوردن درک عمیق‌تر از چگونگی تأثیر جنسیت بر تعاملات ما با فضاهای شهری و خاطرات آن ضروری است.

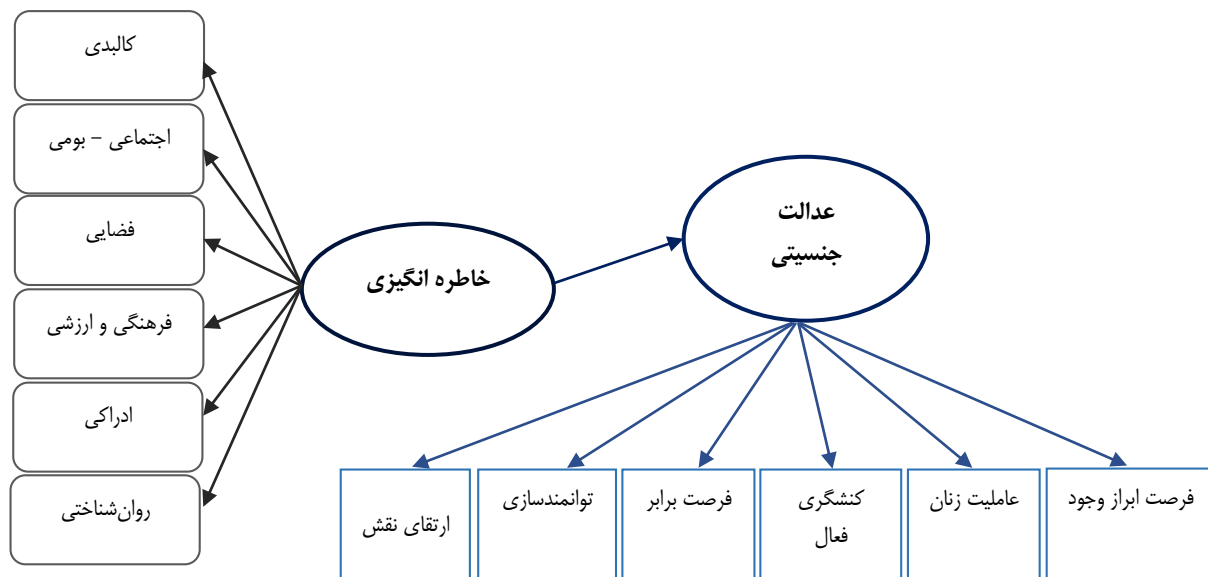
فنستر معتقد است که تعریف شهر با مفهوم قدرت و کنترل که اساساً با هویت و جنسیت مرتبط است، ارتباطی ندارد؛ بنابراین، تعریف او انواع روابط قدرت (قومی، ملی و فرهنگی) و همچنین روابط قدرت جنسیتی را که مانع حق استفاده از فضا و مشارکت در زندگی شهری می‌شود، به چالش نمی‌کشد. فنستر از منظر فمینیستی به شهر می‌نگرد و معتقد است که فضای عمومی همیشه به‌عنوان فضایی برای گذران اوقات فراغت و تفریح مردان سفیدپوست، متوسط به بالا تعبیر شده است که مانع از بهره‌مندی دیگر گروه‌های ناتوان از جمله زنان شده است. شهر (Fenster, 2005).

دیدگاه فنستر در مورد شهر عمیقاً در نظریه فمینیستی ریشه دارد. او استدلال می‌کند که درک سنتی از فضای عمومی توسط هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه شکل گرفته است که زنان و سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده را از مشارکت کامل در

جذب کنند که منجر به افزایش فعالیت اقتصادی و تعامل اجتماعی می‌شود. زمانی که فضاهای عمومی با در نظر گرفتن جنسیت طراحی و مدیریت شوند، می‌توانند به مراکز پر جنب و جوش برای مشارکت اجتماعی و تبادل فرهنگی تبدیل شوند. در پایان، توجه به جنسیت در فضاهای عمومی برای ایجاد محیط‌های فراگیر، در دسترس و خوشایند برای همه ضروری است. با درک نیازها، رفتارها و تجربیات مختلف زنان و مردان در فضاهای عمومی و پرداختن به آن‌ها از طریق طراحی، مدیریت و سیاست‌گذاری، می‌توانیم محیط‌هایی را ایجاد کنیم که برای همه امن، راحت و منصفانه باشد. توجه به جنسیت در فضاهای عمومی می‌تواند با جذب کاربران متنوع و تقویت مشارکت جامعه منجر به منافع اقتصادی و اجتماعی شود. مهم است که اطمینان حاصل شود که ملاحظات جنسیتی در فضاهای عمومی همه هویت‌ها و تجربیات جنسیتی را در برمی‌گیرد تا واقعاً محیط‌های عادلانه ایجاد شود (شکل ۲).

دسترسی، روشنایی، و تأمین امکانات در مناطق عمومی است. به‌عنوان مثال، زنان ممکن است در مقایسه با مردان نگرانی‌های ایمنی متفاوتی داشته باشند و ممکن است به مسیرهای روشن، علائم واضح و امکانات در دسترس مانند سرویس‌های بهداشتی و مکان‌های نشستن نیاز داشته باشند. با طراحی فضاهای عمومی با در نظر گرفتن این ملاحظات، می‌توان محیط‌هایی را برای رفع نیازهای همه افراد ایجاد کرد. علاوه بر طراحی فیزیکی، مدیریت و نگهداری این فضاها نیز بسیار مهم است. این شامل حصول اطمینان از پاکیزگی، نگهداری مناسب و عدم آزار و اذیت در مناطق عمومی است. زنان ممکن است نسبت به عوامل محیطی مانند پاکیزگی و ایمنی حساسیت بیشتری داشته باشند، بنابراین پرداختن به این نگرانی‌ها برای ایجاد یک محیط فراگیر مهم است.

در نظر گرفتن جنسیت در فضاهای عمومی می‌تواند مزایای اقتصادی و اجتماعی نیز داشته باشد. با ایجاد محیط‌های فراگیر و دلپذیر، فضاهای عمومی می‌توانند طیف متنوعی از کاربران را



شکل ۲. چهارچوب نظری پژوهش (نگارندگان)

فضای مبتنی بر جامعه، مؤلفه‌های اجتماعی و بومی، توجه به دسترسی افراد، توجه به احساسات افراد، توجه به آیین‌ها و سنت‌ها است. مؤلفه فضایی، تمرکز بر فضاها، دیدگاه بصری، حس ارتباط با فضا، توجه به مناطق و مناظر اطراف، جاذبه‌های بومی و شهری، مؤلفه فرهنگی و ارزشی، پیکربندی مبتنی بر

مدل تحقیق و فرمول‌بندی فرضی مبتنی بر پرسش‌ها، چارچوب مفهومی و استنتاج قیاسی مؤلفه‌های فیزیکی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی - ارزشی، ادراکی و روان‌شناختی است. هدف این مطالعه سنجش مؤلفه کالبدی با ارزیابی زیبایی‌شناسی نماهای ساختمان، مصالح ساختمانی، فرم‌های ساختمان، طراحی



در نتیجه، مدل‌سازی معادلات ساختاری یک چارچوب قدرتمند برای تحلیل روابط پیچیده بین متغیرهای پنهان و مشاهده شده ارائه می‌دهد. SEM با ارائه یک ارزیابی جامع از تناسب مدل و امکان تخمین اثرات مستقیم و غیرمستقیم، محققان را قادر می‌سازد تا بینش عمیق‌تری در مورد ساختار زیربنایی مدل‌های نظری به دست آورند. به این ترتیب، ابزار ارزشمندی برای پیشبرد دانش در زمینه‌های مختلف تحقیقاتی است.

تأثیر متغیر مکنون خاطره‌انگیزی بر متغیر مکنون عدالت جنسیتی و معناداری بارهای عاملی هر کدام با متغیرهای مشاهده شده مشخص می‌شود. جامعه آماری مطالعه کنونی شامل کلیه ساکنان (زنان و مردان) ۱۹ تا ۶۵ ساله شهر قزوین که تعداد آن‌ها مطابق آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵) برابر با ۸۹۹۹۱۷ هستند، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه لازم به مقدار ۳۸۴ نفر انتخاب شد.

پژوهش حاضر باهدف تهیه پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس مقیاس لیکرت انجام شد که در قالب گویه‌های پنج‌گزینه‌ای ارائه شد. پرسش‌نامه شامل دو بخش بود: گویه‌های حافظه برانگیز شامل ۶ مفهوم و ۲۴ گویه و عدالت جنسیتی شامل ۶ گویه. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهدات میدانی و با بازدید از فضاهای مختلف محل در مدت سه ماه انجام شد. تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS<sup>۱۵</sup> انجام شد و برای آزمون استنباطی از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم افزار Amos<sup>۱۶</sup> استفاده شد. در نهایت، یافته‌های حاصل از مدل تحلیل نهایی عوامل تأثیرگذار بر اساس متغیر جنسیت (مدل‌های زن و مرد) ارائه شد. به منظور سنجش پایایی نمونه اولیه ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون و سپس ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. جدول ۳ ضریب آلفای کرونباخ را برای متغیرهای طبقه‌بندی شده در پرسش‌نامه نشان می‌دهد. همه مقادیر ضریب آلفا در سطح خوبی هستند. توسعه پرسش‌نامه بر اساس نیاز به ارزیابی تجارب برانگیخته حافظه و ادراکات عدالت جنسیتی در زمینه خاص تحقیق انجام شد. مقیاس لیکرت به دلیل توانایی آن در گرفتن پاسخ‌های ظریف و ارائه معیار کمی از نگرش‌ها و ادراکات شرکت‌کنندگان به عنوان مبنای قالب پرسش‌نامه انتخاب شد.

فرهنگ اجتماعی، پیکربندی متناسب با ویژگی‌های افراد، توجه به جامعه نیازها، ترکیب فضاها، مکان‌های مناسب، مؤلفه ادراکی، جذابیت رنگ‌ها و نورها، توجه به پیکربندی یا ساختار، توجه به فرم‌ها، مؤلفه روانی، توجه به معابر و معابر، توجه سازه‌ای در شهرسازی، توجه به اصول ساخت‌وساز، توجه به فضا امنیت. این مؤلفه‌ها به‌عنوان شاخص و معرف هر یک از مؤلفه‌های مذکور در فضاهای عمومی شهر قزوین تعریف شده است. تمامی شاخص‌ها در قالب پرسش‌نامه مورد آزمون قرار گرفت و نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین برای سنجش عدالت جنسیتی، معیارهایی برای فراهم کردن بستر مناسب برای ارتقای نقش زنان در گفتمان‌های شهری و تصمیم‌گیری، رفع موانع توانمندی و ایجاد فرصت‌ها و مزایای برابر متناسب با توانمندی‌ها، عاملیت فعال، عاملیت زنان و ایجاد فرصت‌های برابر وجود برای زنان. حضور آن‌ها در شهر مورد بررسی قرار گرفت.

#### فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد رابطه معناداری میان تحقق خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی در فضاهای شهری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از حق به شهر و عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری وجود دارد.

#### ۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کمی و از آنجایی که هدف پژوهش تعیین روابط علی مابین متغیرهای خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی است پس تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر معادلات ساختاری است. ویژگی بسیار ارزشمند الگوی معادلات ساختاری، تحلیل و پردازش هم‌زمان روابط میان متغیرهای مدل سنجش است. توجه به این نکته مهم است که SEM<sup>۱۴</sup> نیازمند بررسی دقیق مشخصات مدل و همچنین اندازه نمونه مناسب برای تخمین قابل‌اعتماد است. علاوه بر این، محققین باید به تشریح نادرست مدل بالقوه توجه داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که مدل انتخابی به طور دقیق چارچوب نظری مورد بررسی را نشان می‌دهد.

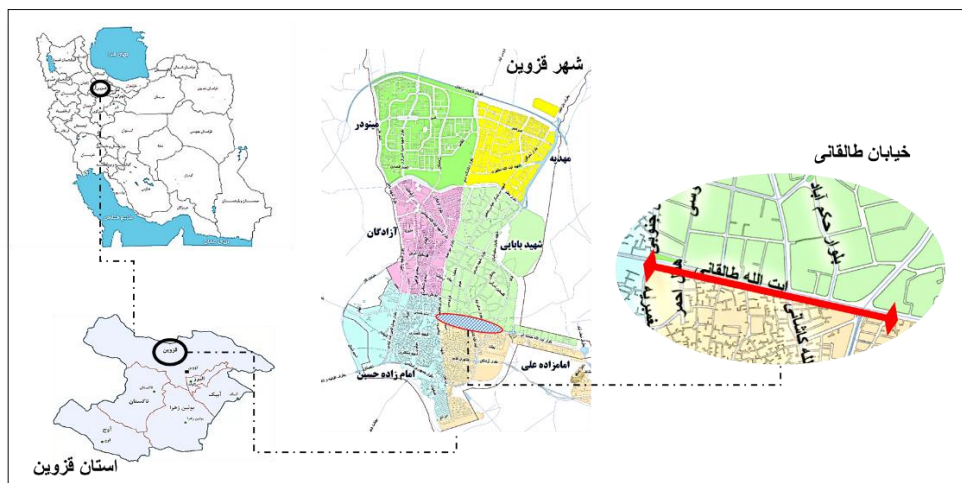
## ۵. یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد و محققین را قادر ساخت تا به طور سیستماتیک پاسخ‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه را تجزیه و تحلیل و تفسیر کنند. استفاده از تجزیه و تحلیل آماری یک رویکرد دقیق و مبتنی بر شواهد برای درک الگوها و روندهای موجود در داده‌ها ارائه می‌کند و امکان استخراج نتایج معنادار از یافته‌ها را فراهم می‌کند.

علاوه بر تجزیه و تحلیل کمی، آزمون استنباطی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos انجام شد. این تکنیک آماری پیشرفته امکان بررسی جامع روابط بین متغیرها را فراهم می‌کند و بینش‌های ارزشمندی را در مورد تأثیر متقابل پیچیده عوامل مؤثر بر تجارب برانگیختن حافظه و ادراکات عدالت جنسیتی ارائه می‌دهد.

با توجه به پژوهش حاضر، محدوده خیابان طالقانی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. خیابان طالقانی به‌عنوان یکی از خیابان‌های مهم شهر قزوین به‌واسطه توسعه شهری، دستخوش تغییرات زیادی شده است و امروزه شاهد کنار هم قرار گرفتن فضاهای قدیمی و مدرن در این محدوده هستیم. همچنین این محدوده به دلیل رفت‌وآمد زیاد افراد اعم از زنان و مردان می‌تواند ما را در راستای تحقیق و جستجو برای رسیدن به نتایج حاصل از پژوهش یاری رساند (شکل ۳).

در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های خاطره‌انگیز برای کشف خاطرات شرکت‌کنندگان از تجربیات و رویدادهای خاص که تأثیر قابل توجهی بر زندگی آن‌ها داشت، طراحی شده بود. گنجاندن شش مفهوم متمایز امکان کاوش جامع در جنبه‌های مختلف حافظه و یادآوری را فراهم کرد. آیتم‌ها با دقت ساخته شده بودند تا پاسخ‌های دقیق و انعکاسی را از شرکت‌کنندگان دریافت کنند و بینش‌های ارزشمندی را در مورد نقش حافظه در شکل‌دادن به تجربیات و دیدگاه‌های فردی ارائه دهند. علاوه بر آیتم‌های حافظه برانگیز، پرسش‌نامه شامل موارد مربوط به ادراک عدالت جنسیتی نیز بود. این آیتم‌ها با هدف ارزیابی نگرش‌ها و باورهای شرکت‌کنندگان در مورد برابری و عدالت جنسیتی انجام شد. گنجاندن آیتم‌های عدالت جنسیتی، دیدگاهی جامع از برداشت شرکت‌کنندگان از پویایی جنسیتی و عدالت اجتماعی در چارچوب تحقیق ارائه می‌دهد. فرایند جمع‌آوری داده‌ها مشاهدات میدانی گسترده‌ای را شامل می‌شود که امکان درک عمیق و غنی از تجربیات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان را فراهم می‌کند. با درگیر شدن فعالانه با محیط تحقیق در یک دوره طولانی، محققان توانستند طیف متنوعی از بینش‌ها و تجربیات را جمع‌آوری کنند و به استحکام داده‌های جمع‌آوری شده کمک کنند.



شکل ۳. نقشه شهر قزوین و جانمایی مسیر انتخابی پژوهش (نگارندگان)

تحقیق توانست تفاوت‌های ظریف را در تجارب برانگیختن حافظه و درک عدالت جنسیتی آشکار کند، و راه‌های متنوعی را که افراد در آن پویایی‌های اجتماعی پیچیده را هدایت می‌کنند،

یافته‌های حاصل از مدل تحلیل نهایی، بینش قابل توجهی را در مورد عوامل تأثیرگذار بر اساس متغیرهای جنسیتی نشان داد. با بررسی دیدگاه‌های منحصر به فرد شرکت‌کنندگان مرد و زن، این

به‌ویژه در زمینه مؤلفه‌های اجتماعی بومی و توجه به احساسات افراد کمک می‌کند (جدول ۴).

جدول ۴. بارهای عاملی ابعاد تحقیق (نگارندگان)

مؤلفه‌های تحقیق	زیرمؤلفه‌ها	بارعاملیس	واریانس تبیین شده
مؤلفه کالبدی	زیباشناسی نمای ساختمان	۰,۵۷۸	۰/۴۰
	مصالح ساختمانی	۰,۵۱۱	۰/۳۸
	فرم‌های ساختمانی	۰,۴۷۳	۰/۴۵
	طراحی فضا مبتنی بر نیازهای جامعه	۰,۶۹۷	۰/۳۵
مؤلفه اجتماعی و بومی	توجه به دسترسی افراد	۰,۴۱۳	۰/۵۱
	توجه به احساسات افراد	۰,۸۶۱	۰/۳۹
	توجه به آئین‌ها و سنت‌ها	۰,۸۴۱	۰/۵۸
مؤلفه فضایی	توجه به فضاها	۰,۶۳۲	۰/۵۸
	دید بصری	۰,۶۳۳	۰/۴۲
	حس ارتباطی با فضا	۰,۷۰۷	۰/۵۵
	توجه به محوطه‌ها و زمین‌های اطراف	۰,۶۸۸	۰/۴۷
	جذابیت‌های بومی و شهری	۰,۶۸۸	۰/۵۵
مؤلفه فرهنگی و ارزشی	پیکربندی بر اساس فرهنگ جامعه	۰,۴۹۳	۰/۳۷
	پیکربندی مناظر با ویژگی افراد	۰,۶۲۰	۰/۴۱
	توجه به نیازهای افراد جامعه	۰,۷۰۸	۰/۴۹
	ترکیب فضاها	۰,۷۴۳	۰/۶۳
	مکان‌های مناسبی	۰,۴۸۷	۰/۲۹
مؤلفه ادراکی	جذابیت رنگ و نورها	۰,۶۱۴	۰/۴۰
	توجه به پیکربندی یا کالبد	۰,۶۳۴	۰/۴۹
	توجه به فرم‌ها	۰,۷۵۶	۰/۳۷
مؤلفه روان‌شناختی	توجه به گذرگاه‌ها و معابر	۰,۴۵۶	۰/۵۱
	توجه ساختاری در پیکر شهرسازی	۰,۷۰۳	۰/۵۰
	توجه به اصول ساخت‌وساز	۰,۷۷۵	۰/۴۰
	توجه به امنیت فضاها	۰,۴۹۷	۰/۱۸

**بررسی شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش**  
شاخص‌های برازش مدل CFA به همراه مقادیر مطلوب آن‌ها در جدول ۵ ارائه شده است. این شاخص‌ها نشان از برازش مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری داشته و معناداری بارهای عاملی

روشن کند. برای اطمینان از پایداری پرسش‌نامه، نمونه اولیه پیش‌آزمون و ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر ضریب آلفای بالا نشان داد که پرسش‌نامه سازگاری درونی قوی را نشان می‌دهد و به پایداری داده‌های جمع‌آوری شده اطمینان می‌دهد (جدول ۳).

در نتیجه، توسعه پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس مقیاس لیکرت ابزار ارزشمندی برای کاوش تجارب برانگیزاننده حافظه و ادراکات عدالت جنسیتی در زمینه تحقیق خاص بود. رویکرد جامع به جمع‌آوری داده‌ها، همراه با تجزیه و تحلیل کمی دقیق و آزمون استنباطی، به بینش‌های معناداری منجر شد که به درک عمیق‌تر از تعامل پیچیده بین حافظه، پویایی جنسیتی و عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های تحقیق (نگارندگان)

شاخص کالبدی اجتماعی فضایی	فرهنگی ادراکی	روان‌شناختی بومی	ارزشی	مقدار
۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۸۰	۰/۷۹

به‌منظور سنجش روایی سوالات از تحلیل عاملی استفاده شد. در تحلیل عاملی اکتشافی، متغیر خطر‌ه‌انگیزی و عدالت جنسیتی به ترتیب دارای مقادیر KMO 87/0 و ۰/۸۰ بودند که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌گیری برای متغیرهای تحقیق است. علاوه بر این، از آنجایی که آزمون کروی بودن بارتلت نتیجه قابل توجهی (کمتر از ۰/۰۵) به همراه داشت، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب مناسب تلقی شد.

پس از تأیید مدل فرضی، از تحلیل عاملی تأییدی برای اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری استفاده شد. هر چه بار عاملی بزرگ‌تر باشد، به عدد ۱ نزدیک شود، متغیر مشاهده شده بهتر می‌تواند متغیر پنهان را توضیح دهد. نتایج نشان داد که تمامی بارهای عاملی بالای ۰/۵۰ بوده که نشان‌دهنده روایی همگرا است. بیشترین بار عاملی در ابعاد مؤلفه اجتماعی بومی و توجه به عواطف افراد با بار عاملی ۰,۸۹ بود. در مجموع، نتایج حاصل از تحلیل عاملی از اعتبار و پایداری متغیرهای تحقیق پشتیبانی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نمونه‌گیری کافی بوده و تکنیک‌های تحلیلی انتخاب شده برای شناسایی و اعتبارسنجی ساختارهای زیربنایی متغیرها مناسب است. این نتایج به درک بهتر عوامل مؤثر بر احساسات خطر‌ه‌انگیزی و عدالت جنسیتی،

هر متغیر مشاهده شده به متغیر مکنون مربوطه را مورد تأیید قرار می‌دهد.

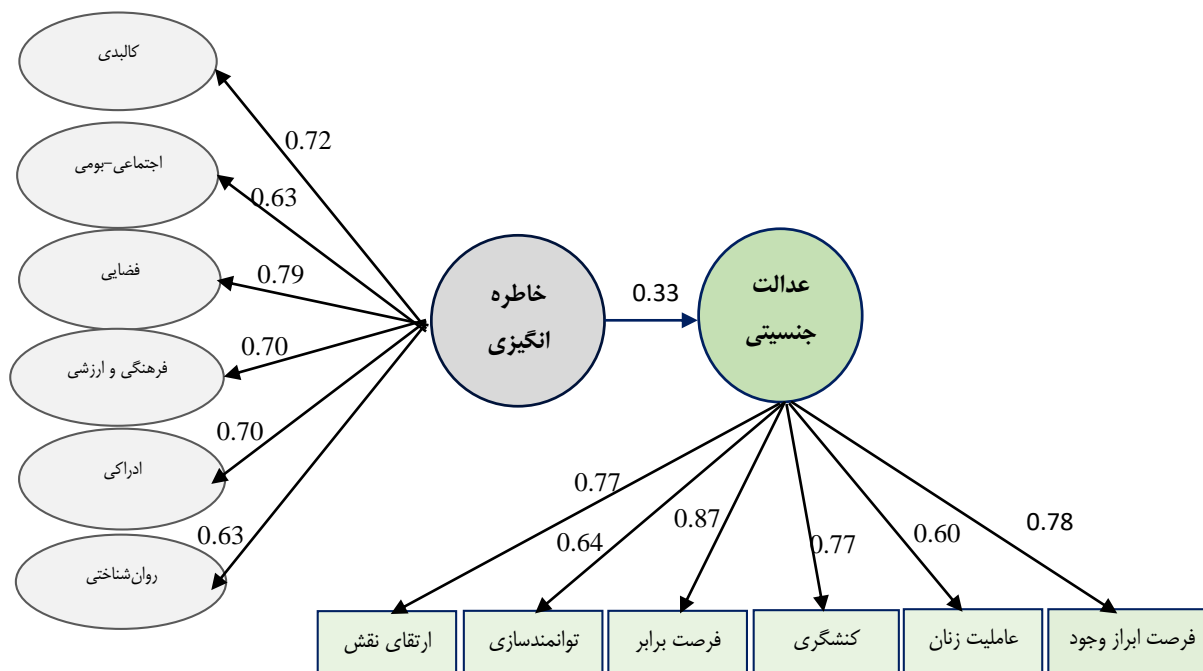
جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری تحقیق (نگارندگان)

شاخص برازش	علامت اختصاری	مقدار استاندارد	مقدار شاخص در مدل
کای دو درجه آزادی	$\chi^2/df$	کمتر از ۳	۱/۰۰۱
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۵۹
ریشه میانگین باقی‌مانده‌ها	RMR	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۴
شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷
شاخص برازش مقایسه‌ای یا تطبیقی	CFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۶
شاخص برازش فزاینده	IFI	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷
شاخص نیکویی برازش	GFI	بیشتر از ۰/۸	۰/۹۲

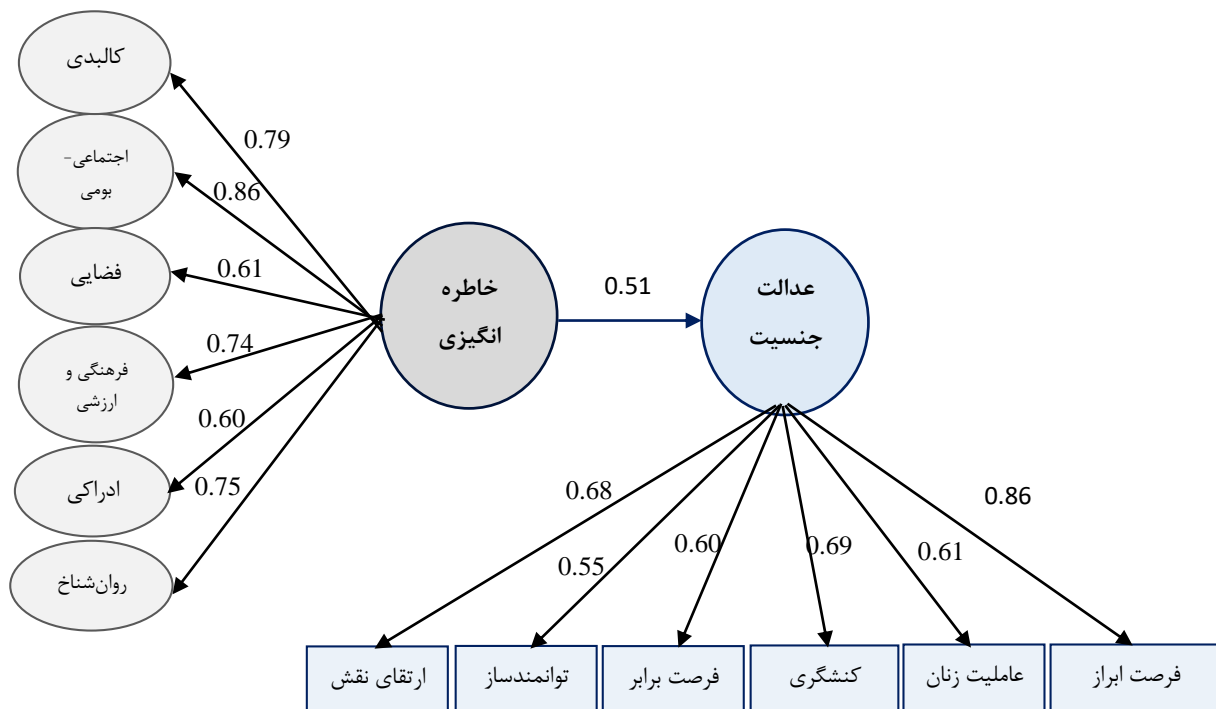
یکی از شاخص‌های عمومی شاخص کای دو بهنجار یا نسبی است که از تقسیم ساده مقدار کای اسکوتر به درجه‌ی آزادی مدل محاسبه می‌شود و اغلب مقادیر بین ۱ تا ۳ را برای این شاخص قابل قبول می‌دانند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود این مقدار برای مدل موردنظر ۱/۶۹ است که مقداری مناسب و قابل قبول است. باتوجه به مطالب و جدول بالا و شاخص‌های کمی برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری مربوط به مدل نظری تحقیق مدلی قابل قبول است.

### ۵- مدل ساختاری تحقیق

تحلیل مسیر (مدل ساختاری) تکنیکی است که روابط بین متغیرهای پژوهش را به طور هم‌زمان نشان می‌دهد. هدف از تحلیل مسیر، شناسایی علیت (تأثیر) بین متغیرهای مدل مفهومی پژوهش است. شکل ۴ و ۵ مدل ساختاری تحقیق را در حالت ضرایب مسیر برای گروه زنان و مردان نشان می‌دهند.



شکل ۴. مدل ساختاری رازش شده تحقیق برای گروه زنان (نگارندگان)



شکل ۵. مدل ساختاری برازش شده تحقیق برای گروه مردان (نگارندگان)

است. به این معنی که به‌ازای افزایش یک واحد در خاطره‌انگیزی متغیر عدالت جنسیتی به میزان  $0/81$  بالا می‌رود. مقدار  $R.C$  برابر با  $3/71$  که از  $1/96$  بالاتر است همچنین  $P-Value$  کمتر از  $0/05$  است و با  $0/95$  اطمینان می‌توان گفت فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است. به سخن بهتر، یافته‌ها این نکته را بازتاب می‌دهند که تحقق خاطره‌انگیزی مشتمل بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و بومی، فضایی، فرهنگی و ارزشی، ادراکی، روان‌شناختی می‌تواند در عدالت جنسیتی مؤثر باشد؛ بنابراین یافته‌ها نشان می‌دهد که فراهم‌آوردن زمینه‌ی مشارکت، دسترسی به فضاهای شهری، شهروندی‌ات و تعامل اجتماعی در فضاهای شهری در قالب زندگی روزمره برای گروه مردان و زنان ساکن در شهر منجر به تحقق عدالت جنسیتی در این فضاها می‌گردد. با توجه به شاخص‌های برازش به‌دست‌آمده می‌توان گفت، فرضیه محقق مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس این فرضیه فضاهای شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که برای هر دو جنس قابل دسترسی و استفاده باشند. ابعاد کالبدی شامل طراحی معابر، پارک‌ها، و فضاهای عمومی است که باید به‌گونه‌ای باشد که زنان و مردان به طور مساوی از آن‌ها بهره‌مند شوند. اگر این فضاها به‌درستی طراحی نشوند، ممکن است زنان از مشارکت

میزان برآورد تأثیرپذیری عدالت جنسیتی از خاطره‌انگیزی در گروه مردان برابر  $0/51$  و در گروه زنان برابر  $0/33$  می‌باشد. با توجه به اینکه در تمامی متغیرهای مطالعه شده خاطره‌انگیزی، میانگین به‌دست‌آمده برای مردان بالاتر از زنان است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌مندی مردان از خاطره‌انگیزی در فضاهای عمومی مورد اشاره در شهر قزوین بیشتر از گروه زنان است و زنان سهم کمتر و کم‌رنگ‌تری از حس خاطره‌انگیزی را احساس می‌کنند. بنابراین با توجه به ارزش‌های اختصاص یافته به مردان در فضاهای عمومی و بهره‌مندی بیشتر آنان از خاطره جمعی در مقایسه با زنان، احساس عدالت آن‌ها در این فضاها بیشتر است. بدین معنی که نتایج نشان می‌دهد که زنان میان حس تعلق مکانی و ذهنی خود در شهر و عدالت در شهر ارتباط معناداری می‌بینند.

### آزمون فرضیات

فرضیه اول: به نظر می‌رسد رابطه معناداری میان خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی در فضاهای شهری وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از مدل و خروجی «ضرایب رگرسیون غیراستاندارد مسیره‌های مدل معادله ساختاری» بار عاملی استاندارد سازه رابطه دو متغیر مکنون (خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی) برابر با  $0/36$  و ضریب مسیر برابر با  $0/81$  به‌دست‌آمده

ادراکی	۰/۶۰	۳/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸	۴/۸۰	۰/۰۰۰
خاطره‌انگیزی	<					
روان‌شناختی	۰/۷۵	۴/۸۵	۰/۰۰۰	۰/۷۵	۴/۸۲	۰/۰۰۰
خاطره‌انگیزی	<---					

برای تعیین تفاوت معناداری مابین گروه مردان و زنان در جدول ۷ از منظر حق به شهر از آزمون تی استیودنت استفاده شد که نتایج آن در ذیل می‌آید.

جدول ۷. نتایج آزمون t برای کلیه مؤلفه‌ها (نگارندگان)

مدل	میانگین			P-Value
	مردان	زنان	t	
کالبدی	۳/۸۸	۳/۷۵	۲/۵۹	۰/۰۱
اجتماعی و بومی	۳/۹۷	۳/۶۳	۲/۷۵	۰/۰۰۴
فضایی	۳/۵۵	۳/۴۱	۲/۳۴	۰/۰۰۳
فرهنگی و ارزشی	۳/۲۱	۳/۱۸	۳/۵۵	۰/۰۰۰
ادراکی	۳/۰	۲/۸۹	۲/۱۱	۰/۰۰۴
روان‌شناختی	۳/۱۱	۳/۰۸	۲/۵۵	۰/۰۰۲

بر اساس جدول فوق در تمامی موارد و متغیرها میانگین به‌دست‌آمده برای مردان بالاتر از میانگین زنان به‌دست‌آمده است و می‌توان گفت در این متغیرها تفاوت به‌دست‌آمده از نظر آماری معنادار است که این مطلب مؤید این واقعیت است که بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در تمام مقایسه‌ها تفاوت جنسیتی به لحاظ آماری معنادار است و سهم‌پذیری و بهره‌مندی زنان از خاطره‌انگیزی در فضاهای شهری شهر قزوین کمتر از مردان است؛ بنابراین پیش‌فرض تحقیق مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از خاطره‌انگیزی تأیید می‌شود. بر اساس این فرضیه داده‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده یک واقعیت اجتماعی مهم هستند که ممکن است ریشه‌های فرهنگی و تاریخی داشته باشند. در بسیاری از جوامع، مردان به طور سنتی در فضاهای عمومی و شهری بیشتر حضور دارند و این مسئله می‌تواند بر نحوه تجربه و یادآوری خاطرات آن‌ها از این فضاها تأثیر بگذارد. به عبارتی، مردان ممکن است بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شرکت کنند که به شکل‌گیری خاطرات مثبت و معنادار در آن‌ها کمک می‌کند. فضاهای شهری می‌توانند به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری خاطرات و تجربیات اجتماعی عمل

در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در این فضاها بازمانند. اگر زنان احساس امنیت و راحتی در فضاهای عمومی نداشته باشند، ممکن است تمایل کمتری به مشارکت در فعالیت‌ها داشته باشند. در این راستا، ایجاد فضایی امن و دلپذیر برای هر دو جنس می‌تواند به افزایش مشارکت و در نتیجه به تحقق عدالت جنسیتی کمک کند. فراهم‌آوردن زمینه‌های مشارکت برای هر دو جنس در فضاهای شهری به‌عنوان یک عامل کلیدی در تحقق عدالت جنسیتی مطرح است. این مشارکت می‌تواند شامل دسترسی به فرصت‌های شغلی، آموزشی و اجتماعی باشد. اگر فضاهای شهری به‌گونه‌ای طراحی شوند که هر دو جنس بتوانند به راحتی در آن‌ها فعالیت کنند، عدالت جنسیتی به تدریج محقق خواهد شد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از خاطره‌انگیزی در فضاهای شهری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از مقدار به‌دست‌آمده R.C که برای سنجش تفاوت بین گروه‌هاست و همچنین آزمون تی استیودنت استفاده شده است بر اساس جدول ۶ این مقدار در همه رابطه‌ها بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمده است که نشان از وجود همبستگی مابین متغیرها در هر دو گروه است.

جدول ۶. شاخص نتایج حاصل از ارزیابی برازش مدل ساختاری پژوهش (نگارندگان)

مدل	گروه مردان		گروه زنان		P
	بار عاملی	T	بار عاملی	T	
مسیرهای عاملی	۰/۷۹	۲/۳۸	۰/۷۲	۳/۵۸	۰/۰۰۰
کالبدی	---				
خاطره‌انگیزی	<				
اجتماعی و بومی	۰/۸۶	۴/۴۲	۰/۶۳	۲/۳۵	۰/۰۰۰
خاطره‌انگیزی	<---				
فضایی	۰/۶۱	۴/۷۸	۰/۷۹	۳/۶۲	۰/۰۰۰
خاطره‌انگیزی	<				
فرهنگی و ارزشی	۰/۷۴	۵/۴۵	۰/۷۰	۲/۶۳	۰/۰۰۰
خاطره‌انگیزی	---				
خاطره‌انگیزی	<				

به شکل‌گیری خاطرات جمعی و احساس تعلق ساکنین به شهر کمک می‌کند. این مطالعه به بررسی چگونگی تأثیر جنسیت بر تجربه حافظه شهری در قزوین می‌پردازد. بررسی خواهد کرد که آیا الگوهای جنسیتی خاص در دسترسی و استفاده از حافظه شهری در فضاهای عمومی وجود دارد یا خیر. علاوه بر این، بررسی خواهد کرد که چگونه تجارب جنسیتی روابط عاطفی افراد را با شهر و درک آن‌ها از عدالت فضایی شکل می‌دهد. درک تفاوت‌های جنسیتی در تجربه حافظه شهری پیامدهای مهمی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری قزوین دارد. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری با شناخت نیازها و تجربیات متنوع گروه‌های جنسیتی مختلف می‌توانند فضاهای عمومی فراگیر و عادلانه‌ای ایجاد کنند که نیازهای عاطفی و اجتماعی همه ساکنان را برآورده کند.

این مقاله اهمیت در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در تجربه حافظه شهری در فضاهای عمومی قزوین را برجسته می‌کند. با بررسی مفهوم حافظه شهری از طریق دریچه جنسیتی، هدف آن روشن کردن چگونگی شکل‌گیری وابستگی عاطفی افراد به شهر بر اساس تجربیات جنسیتی است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری باهدف ایجاد فضاهای عمومی فراگیرتر و سازگار با جنسیت در قزوین کمک کند. بر اساس مدل تحقیق خاطره‌انگیزی به‌عنوان مفهومی مؤثر از متغیرهای اجتماعی و بومی، مؤلفه فضایی، مؤلفه فرهنگی و ارزشی، مؤلفه ادراکی، مؤلفه روان‌شناختی و عدالت جنسیتی متأثر از معیارهای فراهم کردن بستر مناسب جهت ارتقای نقش زنان در گفتمان‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در شهر، رفع موانع قابلیت و توانمندی، ایجاد فرصت‌ها و منافع برابر متناسب با توانایی‌ها، کنشگری فعال، عاملیت زنان و ایجاد فرصت جهت زنان به‌منظور ابراز وجود در شهر مورد آزمون قرار گرفتند. برای آزمون برازش مدل نظری تحقیق با تأکید بر چهار شاخص کای اسکوئر، CFI، PCFI و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برازش مدل تدوین شده از یک‌سو و داده‌های تجربی از سوی دیگر، تأکید شد؛ بنابراین انطباق مطلوبی بین مدل‌های به‌تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی فراهم شد و نتایج حاکی از برازش مناسب مدل دارد.

کنند. اگر فضاهای شهری به‌گونه‌ای طراحی شوند که دسترسی و استفاده از آن‌ها برای زنان تسهیل شود، ممکن است شاهد افزایش سهم زنان، از خاطره‌انگیزی در این فضاها باشیم. این نکته نشان‌دهنده اهمیت طراحی و برنامه‌ریزی شهری با در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های هر دو جنس است. تفاوت در بهره‌مندی از خاطره‌انگیزی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های روان‌شناختی بین زنان و مردان باشد. مردان ممکن است تمایل بیشتری به یادآوری تجربیات مثبت و خاطرات مرتبط با فضاهای اجتماعی داشته باشند، در حالی که زنان ممکن است به دلایل مختلف از جمله فشارهای اجتماعی و فرهنگی، کمتر در این فضاها حضور یابند.

## ۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد لوفور فضای شهری را حق جمعی می‌داند که در آن سایر حقوق اجتماعی تحقق می‌یابد. حقوق شهری مستلزم آزادی همه افراد در شهر و بازسازی فضای شهری است. به‌عبارت‌دیگر، حق شهر، حقی همگانی و مشارکتی برای تغییر شهر و تولید فضاهای شهری و در نتیجه دسترسی به حقوق زندگی شهری است. نتیجه ایجاد خاطره در فضاهای عمومی، تولید خلاقانه فضا است که به‌عنوان بستری برای زندگی روزمره ساکنان شهر عمل می‌کند و منجر به خودآگاهی فضایی می‌شود.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر خاطره‌انگیزی در فضاهای شهری بر عدالت جنسیتی است. پژوهش به دنبال شناسایی ابعاد مختلف خاطره‌انگیزی از جمله کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، ادراکی و روان‌شناختی و تأثیر آن‌ها بر مشارکت و دسترسی زنان و مردان به فضاهای شهری است. در نهایت، پژوهش به دنبال ارائه راهکارهایی برای تحقق عدالت جنسیتی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری است. مفهوم حافظه شهری را با تمرکز بر جنسیت و درک وابستگی عاطفی به شهر را در میان گروه‌های جنسیتی مختلف بررسی می‌کند. همچنین به بررسی رابطه حافظه شهری و عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهر قزوین می‌پردازد. ابعاد سه‌گانه کنش‌های فضایی، بازنمایی‌های فضایی و فضاهای بازنمایی‌نقشی تعیین‌کننده در درک و تجربه جنبه‌های مختلف زندگی شهری در قزوین دارند. این ابعاد چارچوبی برای دستیابی به حقوق شهری ایجاد می‌کند و متعاقباً

عمومی بالاتر باشد، به مفهوم ایجاد حس خاطره‌انگیز نزدیک‌تر می‌شویم و اگر این حق یا ادعای شهروندان در شهرهای امروزی با تصمیم‌گیری شهری نادیده گرفته شود. بدنه‌ها به مرور زمان گروه‌های خاصی از زندگی روزمره شهری و فضاهای آن‌ها مورد بی‌توجهی قرار خواهند گرفت. نتایج به دست آمده به وضوح پیش‌فرض تحقیق مبنی بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از خاطره‌انگیزی را تأیید می‌کند. این تأیید می‌تواند به پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری کمک کند تا با درک بهتر این تفاوت‌ها، اقداماتی برای بهبود شرایط و افزایش سهم‌پذیری زنان از فضاهای شهری انجام دهند. تحقیقات آینده می‌تواند به بررسی عوامل مؤثر بر این تفاوت‌ها بپردازد. به عنوان مثال، بررسی تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تجربه زنان در فضاهای شهری می‌تواند به درک عمیق‌تری از این موضوع کمک کند. همچنین، ارزیابی تأثیرات طراحی فضاهای شهری بر خاطره‌انگیزی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری برای هر دو جنس منجر شود.

جنبه نوآوری پژوهش حاضر از یک منظر ترکیب حافظه شهری و عدالت جنسیتی است. این پژوهش به بررسی رابطه‌ای مستقیم میان خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی در فضاهای شهر سنتی قزوین می‌پردازد که در مطالعات قبلی از این منظر به شهر قزوین پرداخته نشده است. این رویکرد جدید به درک بهتر چگونگی تأثیر تجربیات عاطفی بر عدالت اجتماعی کمک می‌کند. این پژوهش به شناسایی ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، ادراکی و روان‌شناختی خاطره‌انگیزی پرداخته و تأثیر هر یک بر مشارکت و دسترسی جنسیت‌ها به فضاهای عمومی را بررسی می‌کند. این تحلیل جامع به برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند تا نیازها و تجربیات متنوع گروه‌های جنسیتی را در نظر بگیرند.

دستاوردهای پژوهش حاضر را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد: شناسایی الگوهای خاص دسترسی و استفاده از حافظه شهری میان جنسیت‌ها و درک بهتر از نابرابری‌های موجود در فضاهای عمومی. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری کمک کند تا فضاهای عمومی را به گونه‌ای طراحی کنند که نیازهای عاطفی و اجتماعی هر دو

به عبارت دیگر، داده‌های مشاهده شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی پژوهش است.

در این مقاله باهدف بررسی رابطه خاطره‌انگیزی و عدالت جنسیتی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، رابطه معنادار و مستقیم این دو در فضاهای شهری آشکار شد. یافته‌ها نشان داد که حس خاطره‌انگیزی منجر به عدالت جنسیتی می‌شود. به عبارت دیگر عدالت جنسیتی زمانی در فضاهای شهری شکل می‌گیرد که با حافظه خاطره‌انگیزی همسو شود. علاوه بر این، این مطالعه به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در لذت‌بردن و ثبت خاطرات در شهر قزوین پرداخت. نتایج نشان داد که مردان لذت بیشتری از خاطرات در فضاهای شهری نسبت به زنان دارند. در تمامی متغیرها، میانگین به دست آمده در گروه زنان کمتر از گروه مردان بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که چگونه حق زنان برای شهر نادیده گرفته شده است که منعکس‌کننده نابرابری‌های جنسیتی و ماهیت جنسیتی فضاهای شهری است که عمدتاً به پویایی قدرت و تسلط مردسالار نسبت داده می‌شود.

پیامدهای این پژوهش در درک پویایی فضاهای شهری و نقش حافظه در شکل‌گیری ادراکات از عدالت جنسیتی قابل توجه است. با شناخت تأثیر خاطره‌انگیزی بر عدالت جنسیتی، برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران می‌توانند در جهت ایجاد محیط‌های شهری فراگیرتر و عادلانه‌تر تلاش کنند. علاوه بر این، پرداختن به تفاوت‌های جنسیتی در لذت‌بردن از خاطره‌انگیزی می‌تواند به رویکردی متعادل‌تر و نماینده‌تر برای طراحی و توسعه شهری منجر شود. در نتیجه، این مطالعه بر ارتباط متقابل حافظه، جنسیت و فضاهای شهری تأکید می‌کند و بر نیاز به رویکردی ظریف برای درک و پرداختن به عدالت جنسیتی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری تأکید می‌کند. میانگین به دست آمده برای متغیرها حاکی از آن است که با فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری منطقی و از بالا به پایین، در غیاب مشارکت شهروندان به‌ویژه زنان و پایین بودن نسبت مدیران زن در مجموعه مدیریت شهری قزوین و عدم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری در قزوین، حقوق شهر در فضاهای عمومی شهری تضعیف می‌شود؛ بنابراین، بر اساس دیدگاه لوفور، هر چه میزان مشارکت شهروندان در فضاهای



- جنس را برآورده سازد، درحالی که بسیاری از پژوهش‌های قبلی  
به این جنبه توجه نداشتند.
- پی‌نوشت**
۱. Urban Spaces  
۲. Shel Buckingham  
۳. Collective Memory  
۴. Fenster  
۵. Grade  
۶. Gender Perspective  
۷. Halbwachs, Maurice  
۸. Lynch, Kevin  
۹. Spatial identity
۱۰. Tuan  
۱۱. Rossi, Aldo  
۱۲. Eyerman, Ron  
۱۳. Cultural Symbols  
۱۴. «مدل معادلات ساختاری»، ابزاری قدرتمند در تحلیل‌های  
چند متغیره آماری محسوب می‌شود.  
۱۵. یک نرم‌افزار آماری است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و  
ایجاد گزارش‌های آماری استفاده می‌شود.  
۱۶. یک نرم‌افزار آماری جهت تحلیل مدل‌های معادلات  
ساختاری و تحلیل پایداری است.
- تعارض منافع**
- نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی برای اعلام ندارند.

## منابع

- باقری، اشرف‌السادات. (۱۳۹۲). نقش زنان در برنامه ریزی و مدیریت شهری. دو ماهنامه شهرنگار، ۱۲ (۶۳-۶۲)، ۶۰-۴۸.
- بهادر، مریم، قهاری؛ علیرضا و حسنی میانرودی، نسیم. (۱۴۰۰). چهاردهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط‌زیست. مؤسسه پژوهشی رهجویان پایا شهر اترک.
- پور اکبر، حمیدرضا و عباس‌زاده، شهاب. (۱۴۰۰). مفهوم منظر شهری جهت ارتقای میزان خاطره‌انگیزی در فضای شهری. معماری‌شناسی، ۴ (۱۸)، ۱۵-۱.
- پورحسین روشن، حمید، پور جعفر، محمدرضا و علی‌اکبری، صدیقه. (۱۴۰۰). تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت. فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴ (۱۰)، ۱۴۵-۱۱۵.  
<https://doi.org/10.22054/urdp.2021.50702.1195>
- حسنی‌میان‌رودی، نسیم، ماجدی، حمید، سعیده زرآبادی، زهرا السادات، و زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی (نمونه موردی میدان حسن‌آباد). باغ نظر، ۱۴ (۵۶)، ۳۲-۱۷.
- رحیمی، اکبر، واعظی، موسی، محمدی، حجت و باکویی، مائده. (۱۳۹۷). ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۹ (۳)، ۲۴۴-۲۱۹.
- رفیعیان، مجتبی، نسترن، مهین و عزیزپور، سولماز. (۱۳۹۲). ارزیابی رضایتمندی از کیفیت فضای شهری با توجه به متغیر جنسیت (نمونه موردی: باغ خانواده‌ی کرج). مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، ۱۱ (۴)، ۵۸-۳۵.  
<https://doi.org/10.22051/jwsp.2014.1466>
- زیاری، کرامت‌الله و ترکمن‌نیا، نعیمه (۱۳۹۲). میزان برخورداری زنان از سیستم حمل و نقل درون شهری (مطالعه موردی: منطقه ۶ تهران). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۵ (۱۹)، ۱۶۸-۱۴۹.
- شارع‌پور، محمود، رفعت‌جاه، مریم و رهبری، لادن. (۱۳۹۴). جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرنستاین: بررسی جنسیتی بُعد مشارکتی حق به شهر رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۵ (۵۷)، ۲۰۳-۱۷۷.

- شکیبا منش، امیر و قربانیان، مهشید. (۱۳۹۶). اثرات پیکربندی فضایی شهری و ساختار فیزیکی بر درک عابرین پیاده از مدت زمان ذهنی. مجله طراحی داخلی و معماری، (۳۶)، ۹۵-۱۱۷.
- عسگری، علی و نقیبه راد، پرستو. (۱۳۹۲). ضرورت و معیارهای ثبت و ایجاد خاطره‌ی جمعی در فضای باز شهری. همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
- معروفی، حسین و وحیدی برجی، گلдіس. (۱۳۹۴). فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به‌منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لا دفانس در پاریس. مطالعات شهری، ۴ (۱۶)، ۵-۱۴.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی تر. جستارهای شهرسازی، (۲۴-۲۵)، ۱۹-۶.
- Abd Elrahman, A. S., & Mahmoud, R. A. (2016). The post-revolutionary effect on the urban harmony of Cairo's built environment in relation to the collective memory of the population: Urban context of the "after revolution" between contravention and elaboration. *Ain Shams Engineering Journal*, 7(4), 1099-1106.
- Aitken, S. C. (2005). *The geographies of young people: the morally contested spaces of identity*. Routledge.
- Asgari, A. & Nagibirad, P. (2012). The necessity and criteria of recording and creating collective memory in urban open space. National Conference on Sustainable Architecture and Urban Development, Bukan.
- Bagheri, A. (2013). The Role of Women in Urban Planning and Management. *Shahrnagar bimonthly*, 12 (62-63), 48-60. in Persian
- Bahadur; M. Ghahari; A & Hoasani Mianroudi, N. (2021). The 14th National Conference on Urban Planning, Architecture, Civil Engineering and Environment. Paya Passenger Research Institute, Atrak city. in Persian
- Beebeejaun, Y. (2016). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Brown, A. (2006). *Contested Space: Street trading, public space and livelihoods in developing cities*. Rugby: ITDG Publishing.
- Buckingham, S. (2010). Examining the right to the city from a gender perspective in Sugranyes and Mathivet(eds). *Cities for All*. 57-63.
- Dikeç, M., & Gilbert, L. (2002). Right to the city: homage or a new societal ethics?. *Capitalism Nature Socialism*, 13(2), 58-74.
- Fenster, T. (2005). Identity Issues and Local Governance: Women's Everyday Life in the City. *Social Identities*, 11(1). 23-39.
- Fenster, T. (2005). The Right to the Gendered City: Different Formations of Belonging in Everyday Life. *Journal of Gender Studies*, (14) 3, .217-231
- Greed, C. & Reeves, D. (2005). Mainstreaming equality into strategic spatial policymaking: are town planners losing sight of gender?. *Construction Management and Economics*, 23. 1059-1070.
- Hasani mianroudi, N. Majdi, H. Saeeda Zarabadi, Z. & Ziari, Yu. (2016). Analyzing the concept of collective memory and its recovery in urban spaces with a semiotics approach (case example of Hasan Abad square). *Bagh Nazar*, 14(56), 17-32. in Persian

- Hancock, C., Blanchard, S. & Chapuis, A. (2017), Banlieusard. E. S Claiming a Right to the City of Light: Gendered Violence and Spatial Politics in Paris, *Cities*. JCIT-01798; P. 6.
- Hull IV, R. Bruce., Lam, M., & Vigo, G. (1994). Place identity: symbols of self in the urban fabric. *Landscape and urban planning*, 28 (2-3), 109-120.
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209-231.
- Lynch, K. (1972). *What time is this place?*. Cambridge, the MIT press, Massachusetts.
- Maroufi, H., Borji, G. (2015). Space and Realiability of Urban Law: Identifying the Constituents of Space Obtained from the Right Urban to analyze and evaluate Nawab project in Tehran and El- Dafans in Paris. *Journal of Urban Studies*. 4 (16) 5-14. in Persian
- Mehdizadeh, J. (2008). An Introduction to City and Gender Theories. Searching for more humane cities. *Jostar-haye-shahrsazi*. (24-25), 6-19. in Persian
- Pourakbar, H. & Abbaszadeh, Sh. (2021). The concept of urban landscape to enhance the memorableness in the urban space. *Architecture*, 4 (18), 1-15. in Persian
- Pourhossein Roshan, H. Pour Jafar, M. & Ali Akbari, S. (2021). Explaining gender justice in urban spaces, a case study: the urban space of Imam Rasht's sister complex. *Urban and Regional Development Planning Quarterly*, 4 (10), 115-145. in Persian
- <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.50702.1195>
- Rafeeyan, M. Nastaran, M. & AzizPoor, S. (2014). Assessment of the SatismctionJrom th e quality of UrbanSpace Based on Gender as a Variable: CaseStudy of Karaj Family Garden. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociologicaland Psychological*. 11(4), 35-58. in Persian
- <https://doi.org/10.22051/jwsp.2014.1466>
- Rahimi, A. Vaezi, M. Mohammadi, H. & Bakui, M. (2017). Evaluation of gender justice in urban public spaces, case study: Tabriz city center. *Women and Society Scientific-Research Quarterly*, 9 (3), 244-219. in Persian
- Shakibamanesh, A., & Ghorbanifar, M. (2018). Effects of Urban Spatial Configuartion and Physical Structure on Pedestrians Perception of Subjective Duration. *Intraction Design and Architecture (s)*, (36), 95-117. in Persian
- Sharepour, M., Rafatjah, M., Rahbari, L. (2015). Citizens Position in Arnestein's Ladder: Gender Analysis of Participatory Dimentsion of Right ti the city. *Social Welfare*. 15 (57), 177-203. in Persian
- Zayari, K., Torkamanniya, N. (2013). Evaluating women use of urban transport system Case study: District 6 of Tehran [.Urban - Regional Studies and Research Journal. 5 (19), 149-168. in Persian.

## **A Memorable Analysis With An Emphasis On The Assumption Of Gender Justice (Case Example: Traditional Spaces Of Qazvin City: The Area Of Taleghani Street)<sup>1</sup>**

Narges Mahmoudi <sup>2</sup>, Shadi Pakzad <sup>3\*</sup>, Massoud Elahi <sup>4</sup>

(Receive Date: 09 July 2024    Revise Date: 16 August 2024    Accept Date: 24 December 2024)

### *Research Article*

#### **Abstract**

**Introduction:** In the city with no memories, there is no kind of social action and human and social communication, which is necessary for human interactions. The opportunities that exist according to the social, physical and urban management potentials of Qazvin indicate many possibilities for maintaining and strengthening and continuity of collective memories. This article examines new forms of the memorable concept of residents in cities from a gender perspective and its relationship to everyday life in urban spaces. For this purpose, it aims to trace the perception of gender justice in cities by resetting a memorable concept. In recent years, due to the increase in the population of Qazvin city and the traditional view of its residents, the need to study the quality of urban space based on gender differences is very noticeable. Because not paying attention to this basic factor in the process of urban development will lead to many problems in the future, the negative effects of which will prevail in urban spaces for a long time.

**Methodology:** The method used is of the applied type according to the purpose and descriptive-analytical and correlational in terms of the investigation method. The research method, survey and measurement tool is a five-choice questionnaire based on the Likert scale. The quantity and quality of the questionnaire were confirmed in the stages of design and adjustment and with the approval of experts. In the reliability discussion, Cronbach's alpha method was used. Using Cochran's formula, the sample size was equal to 384 people who were selected using a combination of two methods of cluster sampling and proportional classification. Data analysis was done using SPSS and AMOS software.

**Results:** Based on the memorable research model as an effective concept of social and indigenous variables, spatial component, cultural and value component, perceptual component, psychological component and gender justice affected by the criteria of providing a suitable platform to promote the role of women in discourses and decisions. In the city, removal of ability and capacity barriers, creation of equal opportunities and benefits according to abilities, active activism, women's agency and creation of opportunities for women to express themselves in the city were tested.

**Conclusion:** According to the modeling indicators, it can be argued that the presented model had a good fit. The results showed that there is a significant relationship between the indicators of the independent variables of being memorable and the dependent variable of gender justice and there is a significant difference in the benefit of women and men from being memorable in urban spaces. The consequences of this research are significant in understanding the dynamics of urban spaces and the role of memory in the formation of perceptions of gender justice. By recognizing the impact of nostalgic memory on gender justice, urban planners and policy makers can work towards creating more inclusive and equitable urban environments. The average obtained for the variables indicates that with the logical and top-down urban planning and management process, in the absence of citizens' participation, especially women, and the low proportion of female managers in Qazvin's urban management complex, and the lack of women's participation in urban decision-making and policy-making in Qazvin, the rights of the city It is weakened in public urban spaces.

**Conflict of interest:** None declared.

**Keywords:** Consumption, space, production, power, background, emergence

---

<sup>1</sup> This article is taken from the doctoral thesis of the first author entitled "Investigation of the impact of the configuration of urban spaces on the memorableness of citizens based on gender (case study: urban spaces of Qazvin)" which was written under the guidance of the second author and the advice of the third author at the Faculty of Architecture and Urban Planning of Azad University, Islamic unit of Qazvin has been done.

<sup>2</sup> PhD student of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Islamic Branch Azad University, Qazvin, Iran.

<sup>3</sup> Assistant professor of the urban planning department of Qazvin Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author). [sattarzadeh@iaut.ac.ir](mailto:sattarzadeh@iaut.ac.ir)

<sup>4</sup> Assistant professor of the urban planning department of Qazvin Islamic Azad University, Qazvin, Iran.